



## زن مظهر اسم رحمانیت خداست/ چرا بعضی ها عربان در قیامت محشور می شوند

آیت الله قرهی در جلسه اخلاق خود با بیان اینکه پروردگار عالم در زن، مسئله ای را قرار داده که فقط در زن است و در مرد نیست، گفت: البته نه اینکه در مردها نیست، بلکه در مرد بروز نمی دهد و اس و اساس بروز رحمت در زن است.

آیت الله قرهی در جلسه اخلاق خود با بیان اینکه پروردگار عالم در زن، مسئله ای را قرار داده که فقط در زن است و در مرد نیست، گفت: البته نه اینکه در مردها نیست، بلکه در مرد بروز نمی دهد و اس و اساس بروز رحمت در زن است. به گزارش خبرگزاری مهر، گزارشی از سخنرانی آیت الله قرهی، در جلسه اخلاق اکنون از نظر شما می گذرد.

پروردگار عالم، عنصر شجره طیبه خلقت را که در قالب جسم انسانی قرار داد، به خاطر درک مفاهیم انسانی، او را انسیه الحوراء نامید. گرچه بشر همین عنوان انسیه الحوراء را هم درک نمی کند، إلا المتقین که رأس آنها، معصومین (علیهم صلوات المصلین) هستند و در مرحله ثانی، تالی تلو معصوم. انسیه الحوراء، بالجد نه انس است، نه حوراء! اما از باب تفهیم ظاهری به انسانها، انسیه الحوراء نامیدند که این نکته، بسیار مهمی است.

تازه اگر همین را بخواهیم درک کنیم و به صورت ظاهر معنی کنیم، مطلب بسیار مهم آن، این است که پروردگار عالم، قدرت نمایی خاص خودش را این طور بیان کرده: ما قدرت نمایی کردیم، کسی را به صورت انس برای بشر و هبه الهی به نبی مکرم (صلي الله عليه و آله و سلم) - که عطای الهی بر ایشان است - قرار دادیم که او، جنس شما نبود و حوراء بود، لذا اس و اساس او، حورائیه است، نه انسیه. حورائیه با ملکیه متفاوت است و حورالعین هم نیست. حورائیه برتر از ملک و برتر از هر تصویری است که در مورد ملائکه الهی تبیین می شود. چون حورالعین، آن مرتبه ای است که ذوالجلال و الاکرام، در عالم خلقت، برای در خدمت قرار دادن انسانها قرار داده است. لذا حورها هم به مراتب درجات انسانیه، همان درجه را دارند.

## توصیف حداقل خانه مؤمن در بهشت

کما اینکه قرآن می فرماید: باب بهشت، انواعی دارد، جنات است، رضوان است و یکی هم جنتی است. در تعبیر روایی ما، هشت طبقه یا هشت باب برای بهشت تبیین کردند که هر باب، متعلق به گروهی است و به درجات آن افراد بستگی دارد.

گرچه قبلاً هم طبق روایتی - که اتفاقاً این روایت، هم از باب سندیت، هم از باب درایه و هم از باب علم الرجال، روایت صحیحی است و سند بسیار عجیبی است که بسیار مورد تأکید بزرگان است و به تعبیر عامیانه، از باب سندیت، مولای درز این روایت نمی رود - بیان کردیم: کمترین درجه ای که برای خانه اهل بهشت قائلند - اینکه از کدام در وارد می شوند، بحث جدایی است، «ادخلوها بسلام آمین» [1] که آن هم بستگی به همان «آمین» دارد که ایمان به دنیا، عامل آن می شود - این است که فرمودند: وقتی مؤمن می خواهد وارد منزل خودش بشود، می بیند یک قصر بسیار عالی است که هزار باب دارد، از هر دری هم که وارد می شود، می بیند هزار منزل دارد. آن وقت وارد هر منزلی هم که شد، می بیند هزار ساختمان دارد، هر ساختمان آن هم هزار در دارد، هر درب به هزار سالن باز می شود، هر سالن به هزار اتاق باز می شود. در هر اتاق که وارد می شود، هزار تخت می بیند و هر تختی هم هزار حوری بهشتی دارد!

لذا یکی از آقایان که به آیت الله العظمی شاه آبادی (اعلی الله مقامه الشریف) گفته بود: آقا! این که گفتند فردای قیامت، تمامی ندارد، حوصله مان سر نمی رود؟ در اینجا هر چقدر عمر کنیم، در نهایت می میریم، اما می گویند: در آنجا مرگی ندارد! ایشان این روایت را برای او خوانده بودند. بعد خود آن شخص به آقا گفته بود: آقا! این طور که معلوم است میلیون ها سال طول می کشد که ما فقط خانه خودمان را جمع و جور کنیم. حالا بعد از آن میلیون ها سال باید به دید و بازدید دیگران برویم. آقا فرمودند: حالا فهمیدی که تمام شدنی نیست. تازه قرآن می فرماید: یک روز آخرت، پنجاه هزار سال دنیا است! پنجاه هزار روز یا پنجاه هزار ماه هم نفرمود، بلکه فرمود: پنجاه هزار سال! شما در این دنیا خیلی عمر کنید، صد ساله می شوید، اما در آنجا هر یک روز، پنجاه هزار سال دنیا است.

## خلقت حوری ها با توجه به درجات ایمان مؤمنین!

پس بیان شد که هر اتاق منزل مؤمن در بهشت، هزار تخت دارد که هر تخت هم هزار حوری دارد. اما آن حوری، این که مدنظر ما می باشد، نیست. البته می گویند: خود حوری ها هم تفاوت دارند و با توجه به این که چه کسی از چه بابی وارد شود و به چه خانه ای می رود، درجه بندی دارند. لذا معلوم می شود که آنها را به نسبت ایمان انسانها خلق کردند. همان طور که پیامبر اکرم، خاتم رسل (صلي الله عليه و آله و سلم) فرمودند: یک لاله الا الله که می گویند، یک درخت برای شما در بهشت غرس می شود.

یک نفر گفت: یا رسول الله! چقدر عالی و آسان است؛ پس ما باید باغ‌های زیادی در بهشت داشته باشیم. حضرت فرمودند: بله، اما به شرط این‌که با گناهان خود، آتشی نفرستید که آن‌ها را بسوزانید.

مثل این می‌ماند که کسی کشاورزی می‌کند، خرمی را جمع می‌کند و بعد زیر آن یک کبریت بزند و آن‌ها را آتش بزند. چقدر زحمت دارد که شما گندم‌ها را بکارید، مراقبه کنید، این بذر را سم پاشی کنید، مواظب ملخ باشید و ...، بعد با خوشحالی درو کنید، اما یک کسی بیاید و یا خودتان، با یک کبریت، آن‌ها را آتش بزنید! لذا گناه، این حالت را دارد.

ولی همه این مطالب حور نسبت به انسان‌ها است. اما منظور از حوراء، در انسیه‌الحوراء، این حور نیست که ما تصور می‌کنیم. ملک که معلوم است از یک انسان عابد متقی، کمتر است. حتی مقام ملک از جن هم کمتر است «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» [2]. در مقام خلقت، در مرحله اول، انسان است و مرحله ثانی، جن است. این را هم بدانید، خیلی جالب است، آیت‌الله شیخ جعفر کاشف‌الغطاء (اعلی الله مقامه الشریف)، آن مرد الهی و عظیم‌الشأن که خودشان مرجع تقلید اجنه بودند، فرموده بودند: اتفاقاً ملائکه هم در استخدام اجنه هستند! چون جن هم بعد از انسان، مقامش بالاست.

### عجز پیامبر از درک لילה!

حالا با توجه به این مطلب، انسیه‌الحوراء این نیست که ما تصور کنیم پروردگار عالم یک حورالعین را به انسان تبدیل کرده و آن را به نبی مکرم هبه کرده است. اصلاً این مطلب با شأن این آیه شریفه مطابقت ندارد. پروردگار عالم فرمود: «إِنَّا أُعْطِينَاكَ الْكَوْثَرَ» کوثر؛ یعنی همه چیز، هر چه که هست. اما یک حورالعین که همه چیز نیست. خداوند می‌فرماید: من همه چیز را به تو عطا کردم «إِنَّا أُعْطِينَاكَ الْكَوْثَرَ»، یعنی همه آنچه که به تعبیر عامیانه در دست داشتیم، به تو عطا کردم. این، مزد و اجر زحمت تو هم نیست، بلکه آن را عطا کردم.

حالا این، یعنی یک حور عطا کرده؟! حور که خیلی زیاد است. بیان کردیم که در هر باب از حداقل خانه مؤمن در بهشت که وارد می‌شوی، هزار اتاق است؛ در هر اتاق که وارد می‌شوی هزار تخت است و در هر تختش هم هزار حورالعین است. لذا این که خیلی هنر نیست که پروردگار عالم بیاید یک حورالعین را شبیه انسان کند و به پیغمبر بدهد و بگوید: «إِنَّا أُعْطِينَاكَ الْكَوْثَرَ» و بعد بگوییم: انسیه‌الحوراء یعنی همین.

معلوم می‌شود حوراء، چیز دیگری است. در این جورچینی که دارم می‌چنیم، خوب تأمل بفرمایید. این که بعضی تبیین می‌کنند: بی‌بی‌دوعالم (علیها الصلوة و السلام) به تعبیری یک جنسش، حور است و یک جنسش، انسان است، این، غلط است. البته این که در قالب جسم انسانی آورده، درست است و شاید بشود گفت: بالاترین معجزه ذوالجلال و الاکرام، همین است.

برای همین فرمود: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» من این را در آن شب، مقدر قرار داده و نازل کردم. بعد می‌فرماید: «وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ»، که وجود مقدس حضرت صادق القول و الفعل، امام جعفر صادق (صلوات الله و سلامه علیه) فرمودند: این «و ما ادریک» خطاب به پیغمبر است و «اللیلة»؛ یعنی فاطمه. لذا خداوند می‌خواهند بفرمایند: تو قدر این ليله‌ای را که ما قرار دادیم، درک نمی‌کنی و آن، فاطمه است.

خیلی عجیب است حتی پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) هم درک نمی‌کند، پیغمبری که خدا فرموده: «لَوْلَاكَ لَمَا خَلَقْتُ الْأَفْلَاكَ» و همه علم خلقت به واسطه اوست. اصلاً همه عالم، هرچه که شما در ذهنتان بیاید و نیاید، آنچه که بشر بتواند وصف کند و وصف نکند، آنچه که در دریاهاست، آنچه که در صحراهاست، آنچه که در غارهاست، آنچه که در بیابان‌هاست، آنچه که در جنگل‌هاست، آنچه که در کرات است، تمام ملائکه الهی، حتی خود حور، جن، عرش، فرش، ارض و ...، همه و همه، مشمول این «لَوْلَاكَ لَمَا خَلَقْتُ الْأَفْلَاكَ» است. یک چیز عجیب و غریبی است و خود این هم یک معجزه است.

حتی روایت داریم این هم که بیان فرمودند: «وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا» [3]، به خاطر همان نور محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) است. یعنی این نور لولاکیه بود که باعث شد ملائکه سجده کنند، نه به واسطه خود ابانا آدم. چون علت خلقت ابانا آدم هم اوست. اصلاً اوضاعی است! قادر بلد است دیگر، به قوه مخیله ما نمی‌خورد، ما محدودیم و از درک یک چیزهایی، عاجزیم و «عجزت العقول» برای ما هم هست و ما هم عاجزیم. می‌گوییم: یعنی چه؟! مگر می‌شود خدا همه چیز را برای یک نفر خلق کند؟! بله که می‌شود، خودش می‌خواهد.

حالا خداوند دارد به او که همه چیز خداست و علم خداست - چون می‌دانید علم حقیقی خدا اوست و امیرالمؤمنین، باب علم است «أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَ عَلِيٌّ بَابُهَا» [4] - می‌گوید: «و ما ادریک ما لیلۃ القدر» تو چه می‌دانی این ليله که برای تو قرار دادم، چیست؟ این خیلی عجیب و محشر است!

لذا در انسیه الحوراء، حوراء به معنی حورالعین نیست و اشتباه است اگر کسی این تصور را بکند. معجزه بزرگ ذوالجلال و الاکرام و حضرت حق، این است: آن حورائی را که فرمود کوثر است، به قالب جسمانی در آورده و ما هنوز در درک این مانده ایم.

### چرا حضرت زهرا را فقط سرور زنان نامیدند، نه سرور همه انسان‌ها؟!

لذا به تعبیر بزرگان وقتی پیامبر می بینند که بشر این طور عاجز است، لاجرم نوع دیگری بیان می فرمایند. آن نوع دیگری که بیان می کنند، این است: در کتاب مسند ابن حنبل در جلد سه یک روایتی خیلی عجیب است که این روایت را عایشه نقل می کند، می گوید: یک روز پیامبر اوصافی از فاطمه می گفتند که مانده بودیم چه می گویند! بعد پیامبر اصل بحث را عوض کردند، چون دیدند نمی فهمند. فرمودند: «فَأَمَّا ابْنَتِي فَاطِمَةُ فَهِيَ سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأُولَيْنِ وَ الْآخِرِينَ» لذا پیامبر وقتی دیدند قدرت تفهیم ندارند و درک نمی کنند، این را بیان کردند که اما دخترم، سرور زنان عالم از اولین و آخرین است.

یک نکته ای را بیان کنم که در این مطلب، به خصوص خانمها تأمل کنند و آن این که جدی چرا در این جا سیده الانس من الاولین و الاخرین عنوان نکردند و سیده نساء تبیین شده؟ دلیل، این است که پروردگار عالم در باب زنان، مطلبی را نهفته که در مردان قرار نداده. یکی از مطالب، این است که پروردگار عالم، زنان را به عنوان مرکز رحمت قرار داد.

### زنان در کدام لحظه به خدا نزدیک‌ترند؟

لذا من یک روایتی را بیان می کنم که سلمان می گوید: خدمت خانم بودم و وقتی دیدم چادرش، وصله دار و ساده است، تعجب کردم و گفتم: عجب! دختران پادشاهان ایران و قیصر روم در کرسی های طلایی می نشینند و پارچه های زربافت تن می کنند. حالا این هم دختر رسول خداست، نه چادر گران قیمت و نه لباس زیبایی!

بعد بی بی دو عالم (علیها الصلوة و السلام) فرمودند: «يا سلمان إن الله ذخر لنا الثياب و الكراسي ليوم آخر و لكل مؤمن و مومنة صبر في الدنيا على حالته» سلمان! خدا لباس های زینتی و تخت های طلایی را که تو به دنبالش هستی، در روز قیامت برای ما ذخیره کرده و برای هر مؤمن و مؤمنه ای که در آن حالات دنیا صبر کند. بعد راجع به زنان بیان کردند: «أَذْنِي مَا تَكُونُ مِنْ رَبِّهَا أَنْ تَلْزَمَ قَعَرَ بَيْتِهَا» زن در کدام لحظه به خدا نزدیک تر است؟ آن لحظه ای که زن در خانه می ماند و به امور تربیتی می پردازد.

خیلی جالب و عجیب است، ذیل این مطلب، آن بانوی مجتهد عارفه، بانو امین (اعلی الله مقامها الشریف) نکته ای را می گویند. بانو امین، یک عارفه عجیبی بودند که قبر شریفشان هم در تخت فولاد است. می دانید تخت فولاد این قدر مهم است که به وادی السلام ثانی نام گرفته است. این بانوی مکرمه، سیده نصرت بیگم امین (اعلی الله مقامها الشریف)، عارفه ای بودند که کتاب های عرفانی خوبی از ایشان بر جای مانده است. ایشان ذیل این مطلب، بیان می کنند: دلیل این که زن باید در خانه بماند و تربیت کند؛ این است که زن، مرکز رحمت است.

### زن، مرکز رحمت است!

حالا مطلب ایشان را توضیح می دهیم، اما می خواهم بگویم: وقتی ما بی بی دو عالم (علیها الصلوة و السلام) را نمی شناسیم، پیامبر (صلي الله عليه و آله و سلم) مجبور می شوند فقط بگویند: «سيدة النساء العالمين من الاولين و الآخرين». چرا عنوان نساء را می آورند؟ چون ما درک نمی کنیم. پس باید کنار بیاوریم و در یک حد پایین تر حرف بزنیم.

اولاً زن مرکز رحمت است و لذا رحم را هم رحم می گویند چون از رحمت است. ما از اسپرمی هستیم که به چشم غیر مسلح دیده نمی شویم و باید حتماً به چشم مسلح آن را دید. بعد در رحم قرار می گیریم. لذا آن جا را رحم می گویند، چون مرکز رحمت و رشد و نمو در آن جاست.

بهترین وصفی هم که نسبت به پروردگار عالم می شود داشت، رحمتش است. لذا این را بارها بیان کرده ام که پروردگار عالم در قرآن کریم و مجید الهی خود، همه سور را جز سوره توبه، با «بسم الله الرحمن الرحيم» شروع کرده، حتی سوره توبه را «بسم الله القاصم الجبارين» نفرموده، بلکه گفته: اصلاً نمی گویم، اگر «بسم الله» گفتید، باید با «الرحمن الرحيم» باشد، چون صفت بارزه من، صفت رحمتم است.

بیان کردم، می شد گاهی به عنوان این که در یکی از سوره ها، مسئله عظمت خدا و علو خلقت و ... هست، بفرماید: «بسم الله العلی العظيم»، یا مثلاً سوره های را که علم و حکمت بیشتر در آن است، به مناسبت آن سوره بگوید: «بسم الله العلیم الحکیم». اتفاقاً ما فکر می کنیم به ظاهر تنوع هم بود و همه اش با «بسم الله الرحمن الرحيم» شروع نمی شد که تکراری باشد. اما

پروردگار عالم می‌گوید: هر سوره‌ای را که من آغاز می‌کنم، باید با «بسم الله الرحمن الرحيم» باشد، چون صفت بارزه من، رحمت است. برای همین شما در دعای کمیل هم می‌گویید: «اللهم إني أَسْئَلُكَ بِرَحْمَتِكَ الَّتِي وَسَّعَتْ كُلَّ شَيْءٍ».

حالا آن را که نمی‌شود وصفش کرد و حوراء هم حوری نیست و چیز دیگری است و ما نمی‌فهمیم یعنی چه. اما آن را در قالب انسی می‌آورد و عنوان نساء را بیان می‌فرماید، نه نسبت به همه مردم، چرا؟

چون پروردگار عالم در زن، مسئله‌ای را قرار داده که فقط در زن است و در مرد نیست، البته نه این‌که در مردها نیست، بلکه در مرد بروز نمی‌دهد و اس و اساس بروز رحمت در زن است. همان‌طور که بیان شد در دعای کمیل هم فرمود: «اللهم إني أَسْئَلُكَ بِرَحْمَتِكَ الَّتِي وَسَّعَتْ كُلَّ شَيْءٍ» همه اشیاء به رحمت خدا هست، در ما هم که یکی از اشیاء هستیم، همین طور است. یعنی رحمت پروردگار عالم برای همه ما هست، منتها در زن بروز و جلوه دارد.

برای همین رَحِم، از رحمت است و خدا رحم را برای زن‌ها قرار می‌دهد و در مرد قرار نمی‌دهد. تازه ما مردها در رحم یعنی مرکز رحمت رشد کرده‌ایم. ولی قوه غضبیه الهیه در ما مردها بیشتر از قوه رحمتیه است و متأسفانه گاهی این بیشتر بروز پیدا می‌کند. حالا اگر این اسپرم می‌خواست در مرد رشد کند، دیگر وامصیبتا! چه از کار درمی‌آمد! خود ما مردها که فی‌ذاته خشن هستیم، خشن در خشن درمی‌آمد و دیگر غوغا بود، تمام عالم، جنگ و خونریزی بود و «يَسْفِكُ الدَّمَاءَ» [5] معنی حقیقی پیدا می‌کرد. برای همین ما در شکم مادر و در جایگاهی به نام رحم رشد کردیم و خداوند این جایگاه را در مرد قرار نداد.

لذا خانم‌ها باید قدر خود را بدانند، پروردگار عالم یکی را از جنس حورایی - که نمی‌دانیم چیست و فقط می‌دانیم حوری که توصیفش را کردیم نیست- به صورت انسی درآورد که جنسش، جنس زن است. حالا ضمن این که افتخار است، دلیل و برهان هم این است و لذا زن باید قدر خود را بداند و این مرکز رحمت را از دست ندهد.

### تقسیم کار؛ اهانت به زن، یا لطف حقیقی خدا به زن؟!

بهترین مطلب برای زنان که حضرت آقا هم در این صحبتی که با زنان داشتند فرمودند، همین است که انسان در خانه به تربیت فرزندانش بپردازد. من این روایت را مخصوص انتخاب کردم که بینیم بهترین مطلب همین است که زن بتواند فرزندش را تربیت کند، چون تربیت، دست مرد نیست و دست زن است. مردان موفق در عالم همه به واسطه تربیت زنان این‌گونه شدند. سیاسیون یک تعبیری دارند و می‌گویند: مثلاً این اوباما و بوش و ...، مهره هستند و در پشت صحنه کسان دیگری هستند و عامل موفقیت این‌ها، برای آن‌هایی است که پشت صحنه هستند.

لذا به صورت ظاهر مرد در جامعه ورود دارد، اما اصل موفقیت برای زن‌هاست. این که امام (اعلی الله مقامه الشریف) فرمودند: از دامن زن، مرد به معراج می‌رود، منظور همین است که همه موفقیت‌ها به واسطه زن است. منتها شرطش این است که واقعاً زن، زن باشد. چون گاهی متأسفانه زن، زن نیست؛ یعنی از حالت رحمت و مادری بیرون می‌آید و می‌خواهد مثل مردها شود. از آن موقع که زن‌ها بیرون آمدند، اوضاع خراب شد. چون اگر خدای ناکرده این زن، بچه‌دار شود، نسلی هم که بیرون می‌دهد، معلوم است چه می‌شود! وامصیبتا! اگر زنی - که مرکز تربیت و رحمت الهی است و به این خاطر به رحم، رحم می‌گویند که از رحمت است - روحیه مردانه پیدا کرد، صد رحمت به این که مرد بچه‌دار شود. لذا پروردگار عالم بیهوده تقسیم کار نکرد، بعضی این را متوجه نشدند و فکر می‌کنند این، اهانت به زن است. درحالی که این، لطف حقیقی به زن است. کار مهم و به تعبیری بسیار عالی را او دارد.

### ماجرای چای آوردن همسر علامه و شریک شدن در ثواب المیزان

آیت‌الله العظمی علامه طباطبایی (اعلی الله مقامه الشریف)، صاحب تفسیر المیزان، وقتی خانمشان غریق رحمت الهی شد، خیلی گریه می‌کردند. علامه حسن زاده آملی (حفظه الله تعالی) و آیت الله جوادی آملی (مدظله العالی) که شاگردان آقا بودند، به ایشان عرض کردند: آقا! شما باید الگوی صبر باشید و به ما درس بدهید. آقا گفتند: شما که خبر ندارید و نمی‌دانید ایشان، که بود. من نیم ساعت به نیم ساعت چای می‌خوردم، وقتی مشغول به نوشتن بودم، خانم می‌آمد یک استکان چای می‌گذاشت و وقتی می‌رفت که نیم ساعت دیگر چای بیاورد، با یک استکان جدید برای من چای می‌آورد و همان موقع، استکان قبلی را می‌برد. این‌طور که نبود که یک مرتبه برای بردن استکان خالی بیاید و یک مرتبه دیگر برای چای آوردن بیاید؛ چون نمی‌خواست دو بار بیاید و حواس من پرت شود. من چنین خانم بامعرفتی داشتم، ولی افسوس که به او نرسیدم و حواسم به بحث و درس خودم بود و ایشان را از دست دادم.

بعد از این که خود آقا از دنیا رفتند، علامه حسن زاده آملی (حفظه الله تعالی)، ایشان را در خواب می‌بینند و به ایشان می‌گویند:

آقا! چه خبر؟ آقا می‌فرمایند: خیلی سخت بود! حالا چه کسی این را می‌گوید؟ علامه طباطبایی! که هم خودش عارف‌بالله بود و هم در مباحث عرفانی، شاگرد آیت‌الله قاضی (اعلی الله مقامه الشریف) بود. لذا شوخی نیست و سؤال و جواب‌ها خیلی سخت است [6]

علامه در ادامه بیان می‌کنند: بعد هم به من گفتند: به چه دلیل در تفسیر قرآنت - تفسیر المیزان، که یکی از تفسیرهای بسیار عالی است - این‌جا را این‌طور گفتی، از کجا آوردی در آن‌جا این‌طور گفتی و ... یعنی یک به یک سؤال کردند و شدید گرفتار شده بودم، ولی خدا به من رحم کرد و گفتند: نصف آن، مال خانمت است که آن‌گونه برای تو، چای را می‌آورد. لذا ایشان خوشحال هم شده بودند که این‌طور گفتند.

البته خانم‌ها هم خوب دقت کنند. فکر نکنند که مثلاً وقتی مرد می‌رود و کاری می‌کند، آن‌ها هیچ‌کاره هستند. خانم‌ها به تعبیری زحمت نکشیده، مزد می‌برند. همسر علامه طباطبایی، فقط وسایل آسایش ایشان را فراهم کرده، نیم ساعت به نیم ساعت برای ایشان چای می‌آورد، اما در یک استکان جدید برای ایشان چای می‌ریخته و همان زمان که چای را می‌آورد، آن استکان قبلی را برمی‌داشته که دو بار نیاید و برود که حواس آقا پرت شود.

لذا به علامه طباطبایی (اعلی الله مقامه الشریف) گفتند: نصف تفسیر المیزان برای همسرت است و با تو کار نداریم، چون آن را بخشیدیم و مال ایشان است. تازه یک نکته‌ای هم به شما بگویم، آن نصفی که مال همسرشان است، وقتی خانمشان جلوتر از خودشان رفتند و به ایشان داده بودند، دیگر از خانمشان سؤال نمی‌کنند: چرا این‌طوری، چرا آن‌طوری. از نویسنده سؤال می‌کنند، اما از آن خانم سؤال نمی‌کنند. کجا می‌شود مردی موفق باشد و همسر او استفاده نکند؟!

این را یک آقایی به عینه دیده بود که هر چه آن جد والا و مکرمشان، حاج آقا جهانگیرخان قشقایی - البته خود ایشان بچه نداشتند و این فرد از عموزاده‌ها و ... ایشان می‌شده - بیان کرده و ثواب بوده، دو تا کردند و هم به مادر مکرم حاج آقا جهانگیرخان دادند و هم به خود ایشان دادند خدا این‌طور مضاعف می‌کند، مثل فاتحه است. وقتی شما فاتحه می‌خوانید و همه را در نظر می‌گیرید، به همه می‌دهند. البته همان‌طور که بیان شد، این موارد از باب ثواب است. عقاب را مضاعف نمی‌کنند و سؤال جواب‌ها را فقط از خود ایشان می‌کنند، اما ثواب‌هایش را دو برابر می‌کنند.

حالا یک خانمی بیاید بگوید: من خودم می‌خواهم در جامعه حضور داشته باشم و بدین ترتیب بزند همه چیز را خراب کند. ما نمی‌فهمیم و متوجه نیستیم، چون همه چیز را ظواهر دنیا می‌بینیم. اما یک عالمی پشت این عالم هست. اگر مردی موفق شد، خواسته و ناخواسته برای مادر و همسرش می‌نویسند و آن‌ها هم استفاده می‌کنند. کما این که برای همسر علامه طباطبایی نوشتند نصف تفسیر المیزان برای ایشان است. نه زحمت علمی کشیده، نه کاری کرده که بگردد ببیند فلان حدیث کجاست و ... جستجوها هم که مثل الآن نبوده، زحمات خیلی زیادی داشته، حالا سی‌دی‌ها هست و ... البته در این‌ها هم باید تحقیق شود؛ چون در بعضی اشتباهاتی هست و باید با کتاب مطابقت داده شود - آن‌وقت زن، مرکز رحمت است و باید در این تأمل کرد که فرمودند: آن زنی به خدا نزدیک‌تر می‌شود که در خانه می‌ماند و تربیت فرزندانش را به عهده می‌گیرد.

### اشتغال بانوان به هر قیمتی!

این که حضرت آقا فرمودند: «مسئله‌ی اشتغال بانوان، جزو مسائل اصلی نیست»، همین است. علم‌آموزی هیچ اشکالی ندارد، «اطلبُوا الْعِلْمَ مِنَ الْمَهْدِ إِلَى اللَّحْدِ» [7]، «الْعِلْمُ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ» [8] یعنی حتی «مُسْلِمَةٌ» هم آمده و این عیبی ندارد، اما این که بگوییم انجام می‌دهم که بخوایم کار کنم، صحیح نیست؛ چون بعضی از درس‌ها اصلاً ارتباطی به خانم‌ها ندارد. مثل مهندسی معدن! اصلاً روح زن، باید لطیف باشد و یکی از خصایص زن همین است و به خاطر همین، مرکز رحمت است که روحش، روح لطیفی است. این لطافت هم از صفات خداست. ما به پروردگار عالم «یا لطیف» می‌گوییم، «یا لطیف ارحم عبدک الضعیف». حالا این روح لطافت زنانگی در معدن و ... برود که چه بشود؟! الآن طوری شده که برای همه شغل‌ها، رشته‌ای را درست کردند و هر کس آن مدرک را دارد، می‌خواهد برود کار هم بکند. اگر خانم‌ها مدام مشغول به این موارد باشد، یادشان می‌رود بهترین امور زن، تربیت فرزند است و این، خیلی بد است.

### بدون کفن و عریان محشور شدن بعضی در قیامت!

لذا بنده در این جلسه می‌خواستم بیان کنم که کسی نمی‌تواند واقعاً بی‌بی دو عالم (علیها الصلوة و السلام) را بشناسد، اما ما باید ببینیم فرمایشات بی‌بی دو عالم (علیها الصلوة و السلام) چیست. در روایتی که اهل جماعت هم بیان کردند، آمده: «دَخَلَ رَسُولُ اللَّهِ ص ذَاتَ يَوْمٍ عَلَى فَاطِمَةَ ع وَ هِيَ حَزِينَةٌ» [9]، یک موقعی پیامبر (صلي الله عليه و آله و سلم) بر بی‌بی دو عالم (علیها الصلوة و السلام) وارد شدند و دیدند ایشان، نگران و اندوهگین است. «فَقَالَ لَهَا مَا حَزَنَتْكِ يَا بُتِّيَّةُ»، پیامبر (صلي الله عليه و آله و سلم)

سؤال کردند: حزن و اندوه تو چیست، پدر فدایت شود؟ «قَالَتْ يَا أَبَتِ ذَكَرْتُ الْمَحْشَرَ وَ وَقُوفَ النَّاسِ عُرَاةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ» حضرت فرمودند: پدر! من روز محشر و آن توقفگاه مردم را یادم آمده است که دارد حتی بعضی بدون کفن و در حالی که برهنه هستند، محشر می‌شوند. وای از این زشتی‌ها در پیشگاه خدا! من از این می‌ترسم.

پیامبر چند نکته فرمودند که می‌شود کسی، این حال را نداشته باشد و با کفن محشر شود، من فقط یک نکته از آن را بیان می‌کنم و آن، این که: «امراًة فی بیتها» آن زنی که در خانه بماند. امروزه بعضی زنان در خانه که نمی‌مانند هیچ؛ خودنمایی‌ها، زشتی‌ها و مطالب دیگری را هم علناً دارند که وای بر آن‌ها! آن‌ها دیگر چگونه محشر می‌شوند! این‌ها را باور کنیم. اگر کسی باور ندارد که هیچ. حداقل مرگ را که می‌بینیم. کسی نمی‌تواند بگوید مرگ نیست، همه می‌میرند. پس در این مطلب دقت کنیم که در خانه ماندن و تربیت خوب فرزندان برای زن مهم است ولی مع‌الأسف وقتی در این قضایا افتادیم، دیگر این را یادمان می‌رود.

پی نوشت

[1] حجر/ 46

[2] ارباب/ 56

[3] بقره/ 34

[4] صحیفه الإمام الرضا علیه السلام، ص: 58

[5] بقره/ 30

[6] آقای دکتر رجبی برای بنده تعریف می‌کرد که حاج آقای آل اسحاق از آقایان علما و روحانیون می‌گفت: من با برادرم که او هم روحانی بود، عهد گذاشته بودم که هر کدام زودتر از دنیا رفتیم، به خواب آن یکی بیاییم و بگوییم آن دنیا چه خبر است. برادر ایشان که پدر شهید هم بود، از دنیا رفت. ایشان می‌گفتند: مدتی گذشت و من خواب نمی‌دیدم. بعد از چند ماه به خوابم آمد، گفتم: چطور بود؟ گفت: خیلی سخت بود! فلان‌جا این قدر من را معطل کردند، فلان‌جا این‌طور بود و ... تازه ایشان، یک عالم ربانی، مؤمن و پدر شهید بودند، اما گفته بودند: حتی یک بار من را نگاه داشتند و به شدت مؤاخذه کردند که چرا فلان چیز را در منبر، بدون تحقیق گفتم؟! هر بار هم که در این جایگاه‌های مشکل بودم، فرزند شهیدم به دادم می‌رسید!

[7] نهج الفصاحه، ص: 218

[8] مصباح الشریعه، ص: 13

[9] بحار الأنوار/ ج 8 / 53 / باب 21